



استثنائی بر قاعده نون عروضی

شمس قیس رازی در «ذکر تقطیع شعر و دقایقی که در این باب رعایت باید کرد»^۱ مینویسد: «واما نون غیر ملفوظ^۲: هر نون که ماقبل آن ساکن باشد و در شعر به تحقیق آن احتیاج نبود در تقطیع ساقط آید، چنانکه: چون نگارین روی او در شهر نیست... که نون چون و نگارین از تقطیع ساقطند.»^۳

قاعده عروضی فوق‌امری مسلم است و از عروضیان قدیم مانند **خواجه نصیر طوسی** گرفته تا عروضیان جدید همه باین قانون اشاره کرده‌اند:

خواجه نصیر گوید: «حرف‌های دیگر باشد که هم از ترکیب دو حرف حادث شود، مثلاً چنانکه از ترکیب یکی از حروف مد با غنت، نون در لفظ‌های *دون* و *دین* و *دان* و امثال آن افتاده بروزن *دی* و *دا* و *دو* باشد.»^۴

آقای خانلری مینویسد: «از نظر وزن سه مصوت بلند ساده (i-ā-u) را در جاهائی که به حرف «ن» ختم میشود باید کوتاه به‌شمار آورد. یا چنان که شمس قیس گفته است و معمول عروضیان ایران است، حرف نون ساکن را پس از مصوت‌های بلند (حروف مد) از تقطیع ساقط باید کرد.»^۵

آقای مسعود فرزاد قاعده فوق را محدودتر و دقیق‌تر از دیگران بیان کرده است: «و نیز معمولاً سه مصوت (وویل)، (آ، او، ای) به حال دوغلو یا دونوبت متوالی در کلمات فارسی تلفظ میشود و در املائی صحیح نیز باید دوبار (یعنی به ترتیب āā, ii' uu) نوشته شود و معادل دو واحد فن (فتنیک) در عروض فارسی حساب شود.»

✦ آقای سیروس شمیسا فوق‌لیسانس ادبیات فارسی از پژوهشکده فرهنگ ایران، کارشناس مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

هريك از سه وويل (آ، او، ای) قبل از حرف ن (به شرطی که این حرف در آخر جمله واقع شده باشد یا حرف ملفوظ بعد از آن حروف صامت (کنسن) باشد) بصورت منفرده بیاید، مثلاً درجان، چون، کین، یا جاندار، چون من، کین توز.

اما اگر حرف ملفوظ بعد از آن مصوت (وویل) باشد، هريك از سه صوت غای سه گانه مورد اشاره در عهده موارد (حتی در خود کلمات فوق) به شکل دوغلو درمی آید و باید توانمان (ii, uu, āā) نوشته شود و معادل دو واحد فن (فتیک) در عروض فارسی حساب شود، مثلاً درجائی (jāānii)، چونین (chuunin) و کینه (kiine)»^۶.

در پایان تمهیدات فوق باید اضافه کنم که چرایی این امر دقیقاً معلوم نیست. خانلری در کتاب خود «وزن شعر فارسی» در این مورد بحث کرده است.^۷ برای روشن شدن مطالب فوق به مثالی بسنده می کنیم:

در منطق الطیر^۸ ص ۱۵۰ می خوانیم:

چون نکوئی کرد کافر پیش از این نا جو امردی مکن تویش از این
حال اگر به جای نا جو امردی، نا جو امردی بگذاریم بر طبق مفاد قاعده فوق در وزن
خللی ایجاد نمیشود. چنانکه در بیت ص ۱۱۳ همین کتاب:
مرد گفتش ای جو امرد عزیز آمده بد پیش از این ابلیس نیز
در حاشیه به چنین ضبطی (نسخه بدل) بر می خوریم:
مرد گفتش ای جو امرد عزیز
.....

آنچه بنده را به نگارش این مقاله واداشت آن است که گاهی ابیاتی دیده میشود که کلمات آن با داشتن شرایط مذکور در قاعده فوق، از قاعده سرپیچی میکنند، یعنی تقطیع آنها منجر به سقطنون نمیگردد یا مصوت بلند آنها (قبل از نون) کوتاه به حساب نمی آید.^۹ اینک شواهدی که نگارنده در محدوده قاعده فوق (با توجه به شرایط آن) یافته است^{۱۰} درج میگردد، چنان که ملاحظه میشود شواهد زیر استثنائی بر قاعده نون عروضی است:

از منطق الطیر

ای جهانی خلق حیران مانده توبه زیر پرده پنهان مانده ص ۳
چنانکه ملاحظه میشود مانده (-) مانده (-) تلفظ میشود تا «فاعل» گردد^{۱۱}.
گر کسی پیکان به خون پنهان کند او ز غنچه خون در پیکان کند. ص ۶
همان طور که التفات می فرمائید «خون» در مصراع اول طبق قاعده و در مصراع دوم

خلاف قاعده است. یعنی در مصراع دوم باید «خو» را آن قدر بکشیم تا به تعبیر من «نون» را بیرون کند.

در نسخه بدل آمده است: او چو غنچه خون در آن پیکان کند

و نیز او ز غنچه خون در آن پیکان کند.

ضبط نسخه بدل مطابق قاعده است.

خاک در کسوی تو بر در مانده	خاکساری خاک بر سر مانده. ص ۹
کوه را صد عقبه بر ره مانده	پای در گل تا کمر گه مانده. ص ۹
چند گویی مرتضی مظلوم بود	وز خلافت راندن محروم بود. ص ۳
پسای از عشق تو در گل مانده	دست از شوق تو بردل مانده. ص ۷۵
هم نشینانش چنان درماندند	کز فروماندن به جا درماندند. ص ۸۰
شیخشان در روم تنها مانده	داده دین در راه ترسا مانده. ص ۸۱

نسخه بدل: شیخشان در روم تنها مانده بود داده دین در راه ترسا مانده بود

گفت من در گلخنی ام مانده خشک لب، تر دامنی ام مانده. ص ۱۳۶

خواندش محمود و گفتش ای گدا خواستی هم کاسگی پادشا. ص ۱۸۹

چنان که ملاحظه میشود «خواندش مخ» (---)، چنین تقطیع میشود (---۰-)

تا فاعلاتن شود. از مثنوی، دفتر دوم.^{۱۲}

مفترق شد آفتاب جانها	در درون روزن ابدانها بیت ۱۸۶، ص ۲۵۷
وز قران خاک با بارانها	میوهها و سبزه و ریحانها بیت ۱۰۹۴، ص ۳۰۶
بر کف دریا فرس را راندن	نامه‌یی در نور برقی خواندن بیت ۱۵۴۶، ص ۳۳۱
تو مراد رخیر ز آن می خواندی	تا مرا از خیر بهتر رانندی بیت ۲۷۹۲، ص ۴۰۲
از دفتر ششم:	
هر دو بر یک تخته‌یی درماندند	تخته را آن موجها می راندند بیت ۴۸۰۳، ص ۵۵۰
از شاهنامه داستان سیاوش ^{۱۳} :	

همه پیش تو یک یک راندم چو خورشید تابنده بر خواندم ص ۱۹۱

در این بیت هم راندم و خواندم را باید بطور تصنیفی تلفظ کرد.

این دو واژه با تلفظ طبیعی چنین تقطیع میشود: - (ران/دم - خوان/دم) اما

با تلفظ غیر طبیعی چنین تقطیع میگردد (-۰-) (ران/دم - خوان/دم). بطوری که

التفات میفرمائید این بیت قاعده نون را استثناء^{۱۴} متزلزل میکند، یعنی با وجود این که بعد

از نون، صامت است باز مصوت قبل از آن به صورت بلند (= کشیده) اداء میشود:

Rāāndam = فاعلن.

يك بيت ديگر؛ اين بيت گویا از جامی است:

كعبه بی‌وی از بتان پرستگ بود برخدا جویان گویی تنك بود
خاتمه :

با آنکه تعداد ابیات فوق نسبتاً زیاد است، باز قاعده نون عروضی به قوت خود باقی است و امثله فوق را باید فقط استثنائی قلمداد کرد.
توجیه علمی شواهد استثنایی فوق (استثناء خروج نون) - چنانکه باید - بر اینجانب پوشیده است.

- ۱- المعجم فی معایر اشعار المعجم، به تصحیح قزوینی و مدرس رضوی، کتابفروشی تهران، بدون تاریخ، ص ۹۷
- ۲- همانطور که استاد دکتر خانلری اشاره کرده اند این نون غیر ملفوظ نیست و فقط در تقطیع ساقط است. رك وزن شعر فارسی، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۴۵
- ۳- المعجم، ص ۹۹ ۴- معیار الاشعار به نقل از وزن شعر فارسی، ص ۱۴۵
- ۵- وزن شعر فارسی، ص ۱۴۷ ۶- مبنای ریاضی عروض فارسی، ص ۲
- ۷- وزن شعر فارسی ص ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶ و ۱۴۷
- ۸- منطق الطیر، به اهتمام دکتر سید صادق گوهرین، چاپ دوم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۹- چنانکه ملاحظه میفرمائید قاعده مورد بحث در کلام قدما از نظر سقن نون و در کلام عروضیان جدید از نظر کوتاه شدن مسوت بلند ماقبل نون عنوان شده است.
- ۱۰- قید در «محدوده قاعده فوق» به این علت است که گاه بعضی از حروف از قبیل ت، ر، د، ج، ز، و غیره در تقطیع حذف میشوند (در مقاله دیگری به آنها اشاره خواهم کرد). نون هم جزو حروف فوق گاهی از تقطیع ساقط است و این مورد هیچ ربطی به قاعده خاص قید ندارد، مانند:
در قمره زمانه فتادی به دستخون و امالی کمبتین، که حریفی است بس دغا
گزیده خاقانی، ص ۳
- از انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی
- چنانکه ملاحظه میشود نون کمبتین بدون واقع شدن بمداز مسوت بلند از تقطیع ساقط است چنانکه گفتیم این مورد ربطی به قاعده نون عروضی ندارد و باید تحت عنوان «حذف حروف از تقطیع» مورد بحث قرار گیرد.
- ۱۱- ابیات منطق الطیر بر وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن است.
- ۱۲- مثنوی موای، مصحح نیکلسون، چاپ مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی، بدون تاریخ.
- ۱۳- شاهنامه مصحح زول مول، چاپ افست سازمان کتاب‌های جیبی، تهران ۱۳۴۵